

بررسی تعیین تأثیر طلاق عاطفی و خشونت خانگی بر گرایش به روابط فرازناسویی با نقش میانجی گری پریشانی روان‌شناختی در زنان متأهل

Investigating the Impact of Emotional Divorce and Domestic Violence on the Tendency to Extramarital Relationships with the Mediating Role of Psychological Distress in Married Women

Azam Mohamadpor-Eyradmosa, MSc student

Maryam Aghel-Masjedi, PhD✉

اعظم محمدپور ایردموسی^۱

مریم عاقل مسجدی^۲

Abstract

The purpose of this research was to determine the impact of emotional divorce and domestic violence on returning to extramarital relationships with the role of psychological distress as a mediator. The present study was applied in terms of its purpose and descriptive in terms of the nature and method of implementation. The statistical population includes all married women who refer to counseling clinics in Tehran (470 people), and the statistical sample of the present study is 200 married women who were selected by sampling method. Multi-stage clustering was determined based on the structural equation modeling methodology of the sample size. Data collection tools include John Guttman's Emotional Divorce Questionnaire (2000), Mark Watley's Infidelity Attitude Questionnaire (2006), and Simmons and Gaher's Psychological Distress Questionnaire (2005)., the questionnaire for measuring violence against women was Haj Yahya (2001) and in order to analyze the data, inferential statistics methods (structural equation modeling, exploratory factor analysis, Student's t-test) were used appropriately. A significance level of 0.05 was considered. SPSS-20 and AMOS-24 software were used for analysis. The research findings showed that domestic violence has a direct positive effect on psychological distress ($T = 3.510$, $\beta = 0.221$). Also, the research findings showed that emotional divorce, psychological distress, domestic violence and emotional divorce have a direct positive effect. It has a direct positive effect on psychological distress and has a direct positive effect on extramarital relations.

Keywords: Emotional divorce, domestic violence, extramarital relationships, psychological distress

چکیده

هدف از این پژوهش، تعیین تأثیر طلاق عاطفی و خشونت خانگی بر گرایش به روابط فرازناسویی با نقش میانجی پریشانی روان‌شناختی بود. پژوهش حاضر از لحاظ هدف کاربردی و از لحاظ ماهیت و روش اجرا توصیفی از نوع همبستگی بود. جامعه آماری شامل تمامی زنان متأهل مراجعه‌کننده به کلینیک‌های مشاوره شهر تهران (۴۷۰ نفر) که نمونه آماری ۲۰۰ نفر از زن متأهل که با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای حجم نمونه تعیین شد. ابزار جمع‌آوری اطلاعات شامل مقیاس‌های طلاق عاطفی جان گاتمن (۲۰۰۰)، نگرش به خیانت مارک واتلی (۲۰۰۶)، پریشانی روانی سیمونز و گاهر (۲۰۰۵) و پرسشنامه خشونت علیه زنان حاج یحیی (۲۰۰۱) بود و به‌منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش‌های آمار استنباطی (مدل‌سازی معادلات ساختاری، تحلیل عامل اکتشافی، آزمون تی-استیودنت) به تناسب استفاده گردید. سطح معناداری ۰/۰۵ در نظر گرفته شد. جهت انجام تحلیل، از نرم افزار SPSS-۲۰ و AMOS-۲۴ استفاده شد. یافته‌های پژوهش نشان داد که خشونت خانگی اثر مثبت مستقیم بر پریشانی روان‌شناختی دارد ($T = 3.510$, $\beta = 0.221$). همچنین یافته‌های پژوهش نشان داد که طلاق عاطفی، پریشانی روان‌شناختی، خشونت خانگی و طلاق عاطفی اثر مثبت مستقیم بر پریشانی روان‌شناختی دارد و اثر مثبت مستقیم بر گرایش به روابط فرازناسویی دارد.

واژه‌های کلیدی: طلاق عاطفی، خشونت خانگی، روابط فرازناسویی، پریشانی روان‌شناختی

دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۲/۳ تصویب نهایی: ۱۴۰۳/۹/۱۸

۱. گروه مشاوره خانواده، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تنکابن، تنکابن، ایران.

۲. گروه روانشناسی سلامت، واحد رشت، دانشگاه آزاد اسلامی، رشت، ایران. (نویسنده مسئول)

● مقدمه

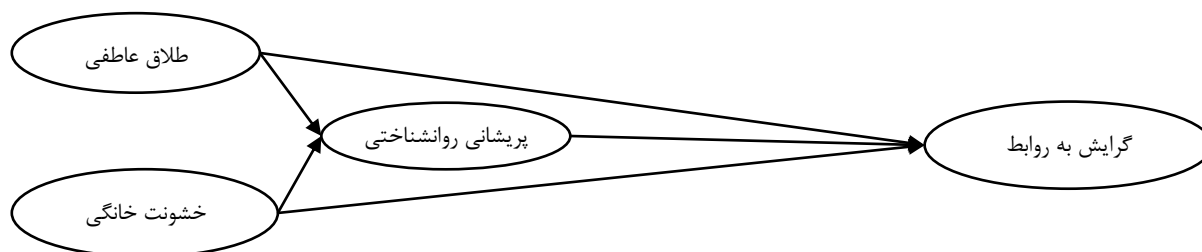
رابطه فرازنشویی علت بسیاری از مشکلات، تعارضات و شکست‌های زناشویی است و می‌تواند پیامدهای مخربی برای اعضای خانواده، دوستان و متعاقب آن، اجتماع به همراه داشته باشد. از عواملی که سلامت خانواده را با چالش مواجه می‌کند، با عنوان روابط فرازنشویی بحث می‌شود که مهمترین عامل تهدیدکننده عملکرد، ثبات و ادامه رابطه زناشویی است (فاطمی‌اصل، گودرزی، کریمی‌ثانی و بوستانی پور؛ ۱۳۹۷). در مطالعه‌ای توسط نصیری جوقنانی و همکاران (۱۴۰۰) نشان داد طرحواره‌های ناسازگار اولیه اثر غیرمستقیم به واسطه‌ی تمایز یافتگی بر تمایل به روابط فرازنشویی داشته است.

یکی از تهدیدهای همیشگی خانواده‌ها، احتمال درگیر شدن زوجین در روابط فرازنشویی است که باعث ازهم پاشیدگی خانواده و وارد شدن آسیب‌های جدی به بهداشت روانی اعضای آن می‌شود (لشگری، ۱۳۹۷). روابط فرازنشویی از دید درمانگران بیشتر بر مفهوم بی‌وفایی، تنوع‌طلبی جنسی یا خیانت تأکید دارد. هر زوجی بنا به نوع تعهدات و محدودیت‌هایی که در رابطه خویش با یکدیگر توافق کرده‌اند، نگرش خاصی نسبت به روابط فرازنشویی دارند (زولا، ۲۰۰۷). براین اساس بانک و باکر (۲۰۱۵)، در پژوهش خود دریافتند که نگرش افراد نسبت به روابط جنسی فرازنشویی شاخص مهمی برای پیش‌بینی تمایل به روابط جنسی فرازنشویی است. در همین راستا مطالعات بختیاری و همکاران (۱۳۹۸)، نشان داد اثر مستقیم دلبستگی اضطرابی، طرحواره‌های محرومیت هیجانی، رهاشدگی، انزوای اجتماعی، شکست و آسیب‌پذیری بر سبک عشق‌ورزی و اثر مستقیم سبک دلبستگی اضطرابی و طرحواره انزوای اجتماعی بر سبک عشق‌ورزی معنادار است. در پژوهش فردوسی (۱۳۹۷)، مشخص شد بین رفتار دلبستگی در روابط زناشویی، کیفیت روابط زناشویی و سبک‌های دلبستگی با نگرش به خیانت در زنان متأهل رابطه معناداری وجود دارد.

مسائل بسیاری بر طلاق عاطفی تأثیرگذار است؛ به‌نظر می‌رسد یکی از این مسائل خشونت خانگی باشد. خشونت علیه زنان یکی از مشکلات مهم حقوق بشر در سطح جهان به‌شمار می‌رود و مسئله عمده بهداشتی، اجتماعی و سلامت عمومی و از علل مهم مرگ و بیماری زنان در سراسر دنیا است (دیوپ و سی دی په، ۲۰۱۶). آزار زنان، مشکلی با ابعاد و اندازه‌های جهانی است که مرزهای فرهنگی، جغرافیایی، مذهبی، اجتماعی و اقتصادی را در نوردیده است (ناود و همکاران، ۲۰۱۶). خشونت علیه زنان پدیده‌ای است که در آن زن به خاطر جنسیت خود، مورد اعمال زور و تضییع حق از سوی جنس دیگر واقع می‌گردد و چنانچه این نوع رفتار در چارچوب خانواده و بین زن و شوهر باشد، از آن به خشونت خانگی تعبیر می‌شود (آقاخانی و همکاران، ۱۳۹۵). پژوهش‌های بین‌المللی همواره نشان داده‌اند خشونت خانگی شیوع بالایی دارد و به‌ویژه زنان بیشتر از افراد دیگر مورد اهانت، آسیب، تجاوز یا قتل توسط همسر فعلی یا سابق خود قرار می‌گیرند. تحقیق رنیسون و ولچنس در سال ۲۰۱۸ نشان داد، در بیش از ۸۵ درصد موارد همسرآزاری، طرف قربانی زن است و نتایج حدود ۸۰ مطالعه در بیش از ۵۰ کشور جهان بیانگر همین واقعیت است.

پیشانی روان‌شناختی (psychological distress)، به‌طور گسترده به عنوان شاخص سلامت روانی در بهداشت عمومی، بررسی‌های جمعیت‌شناسی، مطالعات همه‌گیرشناسی و همچنین به‌عنوان یک پیامد در مطالعات بالینی و اثربخش استفاده می‌شود (یوسفی، ۱۳۹۵). مارچند و بلانک، مطابق پژوهش‌ها نشان دادند افراد با درماندگی روانی بیشتر از نشانه‌های بیماری جسمی شکایت می‌کنند و فراوانی بیماری‌های جسمی، پیشگوکننده قدرتمند وقوع آسیب در کارکرد جسمی، روان‌شناختی و اجتماعی است. براساس نتایج عوامل متعددی منجر به بروز پیشانی روان‌شناختی می‌شوند. ازجمله این عوامل می‌توان به اختلال در ناگویی هیجان اشاره کرد. در این راستا، شواهد حاکی از این است که راهبردهای سازش‌نیافته ناگویی هیجان نقش مهمی در ایجاد پیشانی روان‌شناختی ایفا می‌کنند (حسنی و شاه مرادی، ۱۳۹۴). در مطالعه کاوه فارسانی و همکاران (۱۴۰۲)، رابطه مثبت و معنادار بین ذهن‌آگاهی، قدردانی و باورهای لذت‌بری با کیفیت رابطه زناشویی را نشان دادند. همچنین با توجه به مطالب فوق و از آنجا که پیوند زناشویی یک رابطه دو طرفه است و زنان در بسترسازی مناسب این روابط نقش انکارناپذیری دارند؛ و علاوه بر اینکه خودشان یکی از ارکان این روابط هستند، در به تکامل رساندن آن و استحکام روابط و پایه‌های خانواده نقش مهمی ایفا می‌کنند (موحد و همکاران، ۱۳۸۸)؛ همچنین وجود تعارضات زناشویی در روابط زوجین و به‌خصوص در سال‌های اولیه ازدواج، لزوم توجه به سازه‌های فردی و بین‌فردی به‌عنوان عوامل زمینه‌ساز رابطه را در قالب الگوهای گوناگون گوشزد می‌کند (کاوه فارسانی، نظری‌فر و محمودی نجف‌آبادی، ۱۴۰۲) و ازسویی و با توجه به تمامی مطالب

و پژوهش‌ها که نشان می‌دهند طلاق عاطفی، خشونت خانگی، روابط فرازنشویی و پریشانی روان‌شناختی بعنوان عوامل مؤثر در رضایت زنشویی و از مقدمات طلاق عاطفی است؛ پژوهش حاضر با هدف تعیین روابط ساختاری طلاق عاطفی و خشونت خانگی با گرایش به روابط فرازنشویی در زنان متأهل با میانجی‌گری پریشانی روان‌شناختی انجام شده است؛ به عبارت دیگر درصدد یافتن پاسخ این سؤال است که آیا مدل طلاق عاطفی و خشونت خانگی براساس گرایش به روابط فرازنشویی با نقش میانجی پریشانی روان‌شناختی در زنان متأهل از برازش مطلوب برخوردار است، آیا برازش دارد یا نه؟ شکل ۱ الگوی پیشنهادی این پژوهش را نشان می‌دهد.



• روش

پژوهش از نوع همبستگی بود. جامعه آماری پژوهش حاضر، شامل تمامی زنان متأهل (۴۷۰ نفر) مراجعه‌کننده به کلینیک تهران در بازه زمانی بهار سال ۱۴۰۲-۱۴۰۱ بودند. نمونه آماری پژوهش حاضر ۲۳۷ نفر از زنان متأهل بودند که با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شدند. از بین زنان متأهل مراجعه‌کننده به کلینیک‌های تهران با استفاده از روش‌شناسی مدلیابی معادلات ساختاری ۲۳۷ نفر، به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شد به این صورت که پرسشنامه‌ها توسط افراد نمونه تکمیل شد و پس از جداسازی پرسشنامه‌های ناقص و مخدوش تعداد ۲۰۰ پرسشنامه با استفاده از نرم‌افزار spss20 تجزیه و تحلیل و برای تحلیل مدل از AMOS24 استفاده شد.

• ابزارها

الف) مقیاس نگرش به خیانت (روابط فرازنشویی) (attitudes toward infidelity scale- ATIS): این مقیاس که توسط مارک واتلی (۲۰۰۶) ساخته شده است (بهمنش و رضایی، ۱۳۹۸)، دارای ۱۲ ماده است که در مقیاس لیکرت صورت‌بندی شده است. نمره‌گذاری از ۱ (کاملاً مخالفم) تا ۷ (کاملاً موافقم) تنظیم شده است. آلفای کرونباخ این مقیاس در مطالعه عبدالله‌زاده (۲۰۱۰) تأیید شده است. یافته پژوهش ویتلی (۲۰۰۶)، حاکی از اعتبار مطلوب این نگرش‌سنج است، به‌طوری‌که آلفای کرونباخ حاصل از ضریب همسانی درونی ۸۰ درصد سنجیده شده است. برای تعیین اعتبار این مقیاس از دو روش آلفای کرونباخ و ضریب باز آزمایی استفاده شد. ضریب آلفای کرونباخ مقیاس نگرش به روابط فرازنشویی ۰/۷۱ برآورده شده است. ضریب بازآزمایی حاصل از اجرای این آزمون نیز ۰/۸۷ سنجیده شده است. در این مطالعه اعتبار مقیاس نگرش به خیانت با روش آلفای کرونباخ ۰/۷۹ محاسبه شد.

ب) مقیاس پریشانی روانی (distress tolerance scale- DTS): مقیاس پریشانی روانی توسط سیمونز و گاهر (۲۰۰۵)، ساخته شده است. این مقیاس ۱۵ ماده دارد که ۴ خرده‌مقیاس تحمل (پریشانی روانی هیجانی)، جذب (جذب‌شدن به‌وسیله هیجانات منفی)، ارزیابی (برآورد ذهنی پریشانی)، تنظیم (تنظیم تلاش‌ها برای تسکین پریشانی) را می‌سنجد. تحمل (پریشانی روانی هیجانی): با ماده‌های ۱، ۳ و ۵ اندازه‌گیری می‌شود. این مقیاس براساس مقیاس ۵ درجه‌ای لیکرت (عبارات این مقیاس، روی یک مقیاس پنج درجه‌ای (۱- کاملاً موافق ۲- اندکی موافق ۳- نه موافق و نه مخالف ۴- اندکی مخالف ۵- کاملاً مخالف) نمره‌گذاری می‌شوند که هریک از این گزینه‌ها به ترتیب ۱، ۲، ۳، ۴ و ۵ امتیاز دارند. عبارت ۶ به صورت معکوس نمره‌گذاری می‌شود. نمره ۴۵ نقطه برش مقیاس است که نمرات بیشتر از ۴۵ نشان‌دهنده آن است که پریشانی روانی بالا است و نمرات کمتر از ۴۵ بازگوکننده آن است که سطح پریشانی روانی در فرد پایین است. نمرات بالا در این مقیاس نشانگر تحمل پریشانی بالا است. ضرایب آلفا برای این مقیاس‌ها به ترتیب ۰/۷۲، ۰/۸۲، ۰/۷۸ و ۰/۷۰ و برای کل مقیاس ۰/۸۲ به‌دست آمده است. همچنین مشخص شده است که این مقیاس دارای روایی ملاکی و همگرایی اولیه کافی است (سیمونز و گاهر، ۲۰۰۵). ضریب اعتبار در پژوهش مرشدی حسین‌آبادی (۱۳۹۷)، برای کل مقیاس ۰/۸۴ و برای مقیاس پریشانی روانی ۰/۷۶، جذب‌شدن به‌وسیله هیجانات منفی ۰/۷۸، ارزیابی یا برآورد ذهنی پریشانی ۰/۸۲ و تنظیم تلاش‌ها برای تسکین پریشانی ۰/۷۴ به‌دست آمد.

ج) مقیاس طلاق عاطفی (emotional divorce scale-EDS): مقیاس طلاق عاطفی از کتاب موفقیت یا شکست در ازدواج نوشته

جان گاتمن گرفته شده است. این مقیاس در سال ۲۰۰۰ نوشته شده و شامل جملاتی درباره جنبه‌های مختلف زندگی است که ممکن است فرد با آن موافق یا مخالف است. این مقیاس ۲۴ ماده دارد و به شیوه بله یا خیر باید به آن جواب داد. اعتبار کل این آزمون در پژوهش موسوی و رحیمی نژاد (۱۳۹۴)، با استفاده از آلفای کرونباخ ۰/۹۳ به دست آمده است. روایی صوری این مقیاس نیز با نظر متخصصان تأیید گردیده است. نمره کل مقیاس ۲۴ محاسبه شده است. اعتبار آن در ایران ۰/۹۳ گزارش شده است. برای به دست آوردن روایی سازه از تحلیل عاملی به روش چرخشی واریماکس و آزمون اسکری استفاده شد و بار عاملی همه ماده‌ها در دامنه ۰/۴۹ تا ۰/۸۰ قرار داشته و بار عاملی مقبولی دارند. روایی صوری آن نیز توسط متخصصان تأیید شده است. در پژوهش مامی و عسگری (۱۳۹۲)، آلفای کرونباخ برای اعتبار مقیاس ۰/۸۳ ذکر شده است. همچنین روایی محتوایی مقیاس توسط اساتید مطلوب گزارش شده است (مامی و عسگری، ۱۳۹۲).

(د) پرسشنامه خشونت علیه زنان (domestic violence questionnaire- DVQ): جهت بررسی خشونت علیه زنان از پرسشنامه سنجش خشونت نسبت به زنان حاج یحیی (۲۰۰۱) استفاده شد، که این پرسشنامه از چند پرسشنامه دیگر از جمله پرسشنامه مقیاس تاکتیک تعارض (CTS) اشتراوس (۱۹۸۰)، پرسشنامه خشونت روان‌شناختی زنان تولمن (۱۹۹۰) سنجش همسرآزاری رادنبرگ و فانتوزو (۱۹۹۵) و شاخص همسرآزاری هودسون و مک بنتاش (۱۹۸۱) اقتباس گردیده است. پرسشنامه سنجش خشونت علیه زنان شامل ۳۲ ماده براساس طیف لیکرت ۵ درجه‌ای و چهار خرده‌مقیاس (خشونت فیزیکی، ۱۷-۲۷ خشونت روانی ۱-۱۶، خشونت جنسی ۳۰-۲۸ و خشونت اقتصادی ۳۱-۳۲) است. پرسشنامه خشونت علیه زنان توسط خاقانی‌فر در دانشگاه الزهرا ترجمه شده است و اعتبار آن توسط چندتن از اساتید متخصص مورد تأیید قرار گرفته و ضریب همسانی درونی با آلفای کرونباخ آن نیز با استفاده از نمونه ۶۰ نفری ۰/۹۷ به دست آمده است. برپایه نتایج حاصل از اولین زمینه‌یابی فلسطینی‌ها در مورد خشونت علیه زنان که در مورد ۲۴۱۰ نفر زن انجام گرفته است، ضریب همسانی درونی با آلفای کرونباخ برای چهار عامل پرسشنامه حاج‌یحیی (۲۰۰۱) به ترتیب به ۰/۷۱، ۰/۸۶، ۰/۹۳ و ۰/۹۲ به دست آمده است. آلفای کرونباخ این پرسشنامه در پژوهش جعفریان (۱۳۹۴)، ۰/۸۲ محاسبه شد. برای ارزیابی مدل پیشنهادی از الگویی معادلات ساختاری (SEM) استفاده شد و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزارهای SPSS20 و AMOS24 انجام شد.

• یافته‌ها

شایان ذکر است که شاخص‌های توصیفی مربوط به متغیرهای مورد مطالعه، در سطح زیرمقیاس‌ها نیز در این بخش گزارش شده است. به عنوان نمونه میانگین و انحراف معیار طلاق عاطفی به ترتیب برابر ۶/۳۶ و ۳/۴۳ است. جهت بررسی فرضیه‌های تحقیق ابتدا همبستگی متغیرها با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون مورد بررسی قرار گرفت (جدول شماره ۲). با توجه به جدول ملاحظه می‌شود که خشونت خانگی اثر مثبت مستقیم بر پریشانی روان‌شناختی طلاق عاطفی دارد ($P < 0/05$). طلاق عاطفی اثر مثبت مستقیم بر پریشانی روان‌شناختی دارد ($P < 0/05$) و پریشانی روان‌شناختی اثر مثبت مستقیم بر گرایش به روابط فرازنشویی دارد ($P < 0/05$). خشونت خانگی اثر مثبت مستقیم بر گرایش به روابط فرازنشویی دارد ($P < 0/05$) و طلاق عاطفی اثر مثبت مستقیم بر گرایش به روابط فرازنشویی دارد ($P < 0/05$). بررسی دقیق‌تر معناداری یا نبود معناداری بین متغیرهای پژوهش در ادامه پاسخ به فرضیه‌های پژوهش، مورد اشاره قرار گرفت.

جدول ۱. شاخص‌های توصیفی مربوط به «متغیرهای مورد مطالعه» در تحقیق

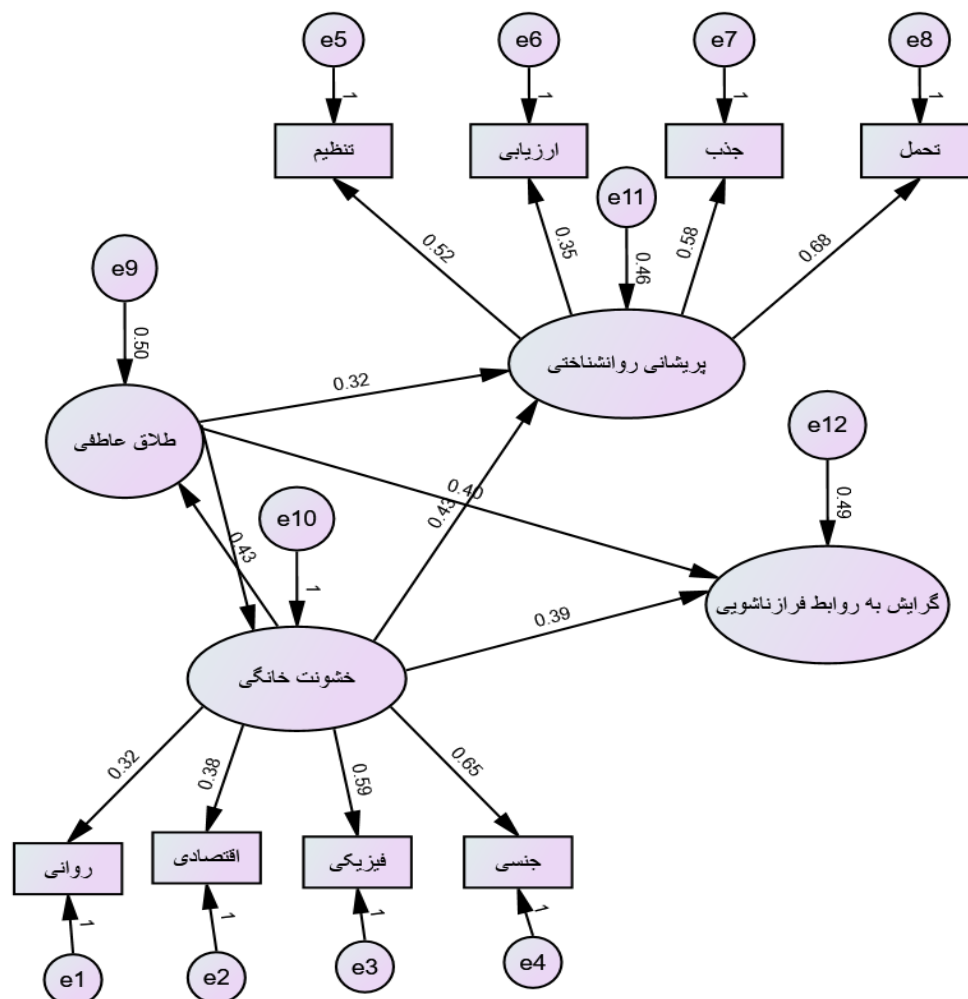
شاخص	متغیر	تعداد	میانگین	انحراف معیار	چولگی	کشدگی	کمینه	بیشینه
طلاق عاطفی		۲۰۰	۹/۳۶	۳/۴۳	۰/۱۶	-۰/۲۳	۸	۱۶
پریشانی روان‌شناختی	پریشانی روانی هیجانی	۲۰۰	۶/۱۰	۵/۲۷	۰/۵۲	-۰/۴۱	۲	۱۵
	جذب شدن به وسیله هیجانات منفی	۲۰۰	۴/۱۳	۴/۱۳	۰/۴۶	-۰/۳۹	۲	۱۵
	برآورد ذهنی پریشانی	۲۰۰	۵/۷۷	۵/۰۲	۰/۳۷	۰/۶۱	۲	۱۵
	تنظیم تلاش‌ها برای تسکین پریشانی	۲۰۰	۷/۳۱	۵/۷۲	-۰/۴۱	-۰/۴۷	۲	۱۵
روابط فرازنشویی		۲۰۰	۱۱/۳۶	۵/۱۸	۰/۳۹۶	۰/۸۳۶	۱۰	۱۵
خشونت خانگی	خشونت روانی	۲۰۰	۳۷/۹۲	۲/۵۹	۰/۹۷۰	۰/۳۸	۳۰	۴۵
	خشونت جنسی	۲۰۰	۳۲/۷۹	۲/۷۹	۰/۸۶۰	۰/۰۶۵	۳۰	۴۵
	خشونت فیزیکی	۲۰۰	۳۴/۲۳	۱/۵۹	۰/۸۶۵	۰/۴۹	۳۰	۴۵
	خشونت اقتصادی	۲۰۰	۳۹/۱۴	۵/۲۱	۱/۹۵	۰/۸۷	۳۰	۴۵

جدول ۲. نتایج مربوط به ضریب همبستگی پیرسون بین متغیرهای تحقیق

متغیر	طلاق عاطفی	خشونت روانی	خشونت جنسی	خشونت فیزیکی	خشونت اقتصادی	نمره کل خشونت خانگی	روابط فرازناشویی
گرایش به روابط فرازناشویی	۰/۴۰	۰/۳۵	۰/۴۴	۰/۴۶	۰/۳۵	۰/۳۹	-
پریشانی روانی هیجانی	۰/۳۰۹	۰/۳۴۸	۰/۱۳۱	۰/۳۰	۰/۳۹	۰/۳۶	۰/۴۱
جذب شدن به وسیله هیجانات منفی	۰/۴۱	۰/۳۵	۰/۲۵	۰/۳۸	۰/۲۶	۰/۴۰	۰/۴۸
برآورد ذهنی پریشانی	۰/۱۱۸	۰/۲۳۸	۰/۲۱۴	۰/۲۳۱	۰/۲۹	۰/۳۴	۰/۴۵
تنظیم تلاش‌ها برای تسکین پریشانی	۰/۵۴	۰/۴۳	۰/۴۹	۰/۴۰	۰/۴۶	۰/۳۰	۰/۳۸
نمره کل پریشانی روان‌شناختی	۰/۳۲	۰/۳۰	۰/۳۶	۰/۳۹	۰/۳۲	۰/۴۳	۰/۴۴
خشونت روانی	۰/۳۲	-	-	-	-	-	۰/۳۶
خشونت فیزیکی	۰/۳۶۱	-	-	-	-	-	۰/۲۹
خشونت جنسی	۰/۴۶	-	-	-	-	-	۰/۳۸
خشونت اقتصادی	۰/۳۶	-	-	-	-	-	۰/۳۳
نمره کل خشونت خانگی	۰/۳۴	-	-	-	-	-	۰/۳۶
طلاق عاطفی	-	۰/۴۵	۰/۴۶	۰/۴۲	۰/۴۴	۰/۴۳	۰/۴۱

ضریب اعتبار در همه موارد کمتر از ۰/۰۱ است.

در رابطه با این موضوع سه مسئله مدنظر قرار می‌گیرد: ۱. علائم (مثبت و منفی) پارمترهای مربوط به مسیرهای ارتباطی بین متغیرهای نهفته نشان می‌دهند که آیا پارامترهای محاسبه شده جهت روابط فرضی را مورد تأیید قرار داده‌اند. ۲. مقدار پارامترهای برآوردشده؛ نشان می‌دهد که تا چه حد روابط پیش‌بینی شده، قوی هستند. در اینجا پارامترهای تخمینی باید معنادار باشند. یعنی قدرمطلق t -value باید بیشتر از ۱/۹۶ باشد. ۳. مجذور همبستگی چندگانه مقدار واریانس هر تغییر نهفته درونی (وابسته) که به وسیله متغیرهای نهفته بیرونی (مستقل) تبیین می‌شود را نشان می‌دهد. هرچه مقدار همبستگی چندگانه بیشتر باشد، قدرت بالای تبیین واریانس را بیان می‌کند.



شکل ۱. ضریب مسیر مدل تحلیل مسیر در حالت ضرایب استاندارد

نمودار ۱، مقدار ضرایب مسیر مدل ساختاری در حالت تخمین استاندارد را نشان می‌دهد که براساس آن به آزمون فرضیات پرداخته می‌شود. در این پژوهش مدل مفهومی پیشنهادی اولیه پژوهش از طریق تحلیل مسیر بررسی شد و نتایج حاصل از برازش این مدل در جدول ۳ ارائه شده است. برطبق نتایج جدول ۳ (سطر اول) مشاهده می‌شود که شاخص‌های برازش، مدل مفهومی اولیه پژوهش را تأیید نکردند ($P = 0/001$)؛ بنابراین با توجه به مقدار کای اسکور مدل تدوین شده اصلاح شد. بدین ترتیب که براساس داده‌های به دست آمده و همچنین شاخص‌های اصلاح، با حذف مسیر طلاق عاطفی و خشونت خانگی برگرایش به روابط فرازناشویی با نقش میانجی پریشانی روان‌شناختی مدل اصلاحی تدوین و برای آزمایش ارائه شد که نتایج حاصل از شاخص‌های برازش را جدول ۳ (سطر دوم) نشان می‌دهد. درمجموع این شاخص‌ها نشان می‌دهند که مدل ارائه شده مدل مطلوبی است و به خوبی با داده‌ها مطابقت دارد. با توجه به نتایج، مشاهده می‌شود که کای اسکور کاهش یافته است. چنانچه شاخص‌ها نشان می‌دهند نسبت خی دو به درجه آزادی برابر $0/031$ ($p=0/861$) و معنادار نیست.

همانطور که در جدول ۴ مشاهده می‌شود، شاخص خی ($0/021$) کمتر از عدد ۳ و شاخص P معنادار نیست. آماره نیکویی برازش ($GFI=1$) نیز در سطح بالاتر از $0/9$ است. آماره برازش تطبیقی (CFI) و شاخص برازش هنجار شده بنتلر-بونت (NFI) نیز حاکی از برازش بسیار خوب مدل است. همچنین مقدار شاخص $RMSEA$ ($0/001$) نیز در محدوده مناسب ($<0/06$) قرار دارد. در شکل ۲ مدل اثرات مستقیم نشان داده شده است.

جدول ۳. شاخص‌های برازش مدل ساختاری

شاخص برازش	مقدار قابل قبول	مقدار مدل	نتیجه برازش
GFI	$>0/9$	۹۰۶.	مناسب
RMR	نزدیک به صفر	۰۳۳.	مناسب
NFI	$>0/9$	۹۱۱.	مناسب
CFI	$>0/9$	۹۱۱.	مناسب
RFI	$>0/9$	۹۱۲.	مناسب
IFI	$>0/9$	۹۲۱.	مناسب
PRATIO	$>0/50$	۵۷۱.	مناسب
PCFI	$>0/50$	۷۶۱.	مناسب
RMSEA	$<0/1$	۰۷۴.	مناسب
CMIN/DF	کمتر از ۵	۹۲۴.۲	مناسب

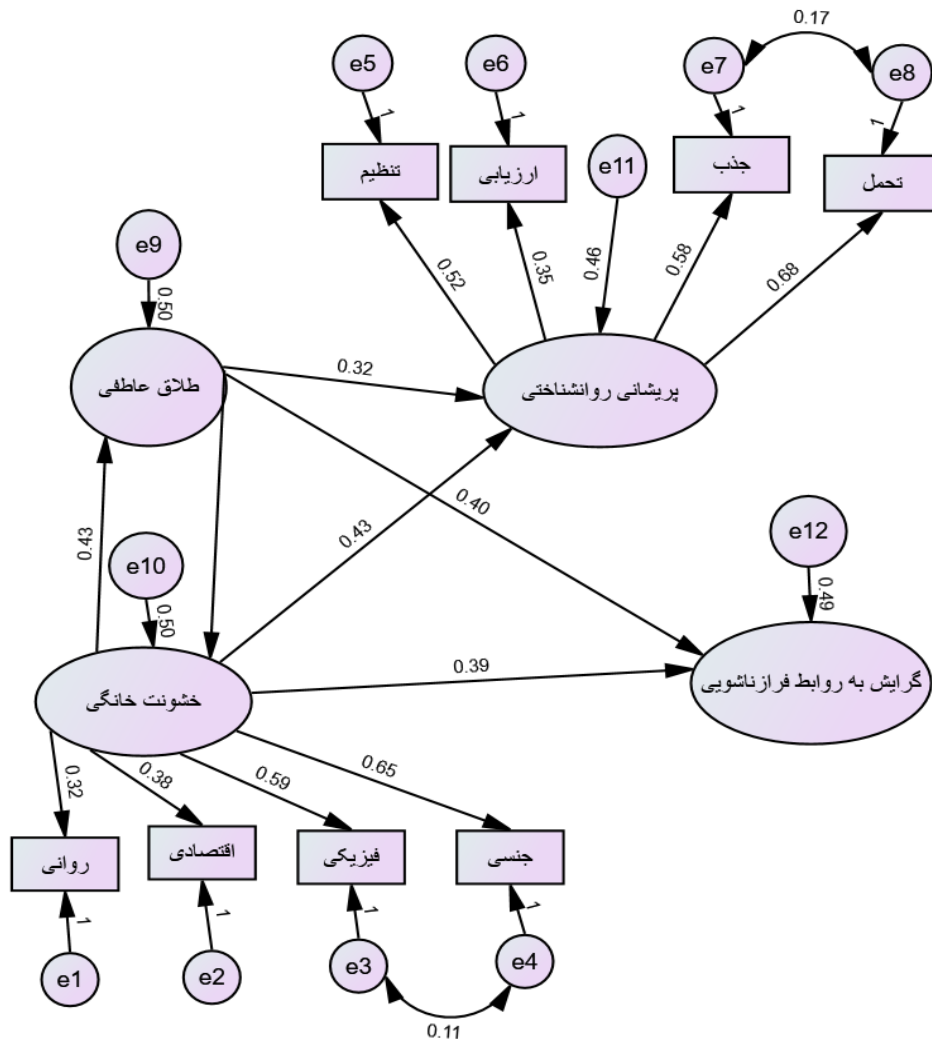
جدول ۴. شاخص برازش مربوط به الگوی مفروض

مدل	X2	df	X2/df	P	GFI	CFI	NFI	RMSEA
اولیه	۰/۰۰۱	۰	-	-	۱	۱	۱	۰/۲۲۹
اصلاح شده	۰/۰۳۱	۱	۰/۰۲۱	۰/۸۶۱	۱	۱	۱	۰/۰۰۱

در شکل ۲ مسیرهای معنادار نشان داده شده‌اند. در جدول ۵ ضرایب استاندارد نشده، استاندارد شده و شاخص‌های معناداری مسیرهای مستقیم ارائه شده است.

همانطور که در جدول ۵ مشاهده می‌شود تمام متغیرهایی که مسیرهای مستقیم آنها به متغیر وابسته دارای مقدار T بزرگتر یا کوچکتر از $\pm 1/96$ است یا سطح معناداری آنها کمتر از $0/05$ است تأثیر معناداری بر متغیر وابسته دارند.

با توجه به جدول ۵ می‌توان مشاهده کرد که مسیر مستقیم متغیر گرایش به روابط فرازناشویی به متغیر خشونت خانگی معنادار است ($\beta = 0/185$, $T = 2/140$). و مسیر مستقیم متغیر پریشانی روان‌شناختی به متغیر طلاق عاطفی معنادار است ($\beta = 0/105$, $T = 0/750$). همچنین مسیر مستقیم متغیر طلاق عاطفی به متغیر گرایش به روابط فرازناشویی معنادار است ($\beta = 0/219$, $T = 0/342$). نیز با توجه به جدول ۵ مسیر مستقیم متغیر گرایش به روابط فرازناشویی به متغیر پریشانی روان‌شناختی معنادار است ($\beta = 0/213$, $T = 2/554$). و نتایج نشان داد که مسیر مستقیم متغیر خشونت خانگی به متغیر پریشانی روان‌شناختی معنادار است ($\beta = 0/221$, $T = 3/510$). جهت تعیین تأثیر خشونت خانگی از طریق پریشانی روان‌شناختی بر گرایش به روابط فرازناشویی نتایج در جدول ۶ ارائه شده است.



شکل ۲. الگوی مسیر مدل برازش شده تأثیر طلاق عاطفی و خشونت خانگی بر گرایش به روابط فرازنشویی با نقش میانجی پریشانی روانشناختی با برآورد ضریب استاندارد

جدول ۵. ضرایب مسیر اثرات مستقیم متغیرهای مکنون و معناداری پارامترهای برآورد شده

متغیر مستقل	متغیر وابسته	ضریب غیراستاندارد	ضریب استاندارد	t	p
روابط فرازنشویی	خشونت خانگی	۰/۰۱۰	۰/۱۰۵	۰/۷۵۰	۰/۰۵۱
پریشانی روانشناختی	طلاق عاطفی	۰/۰۴۴	۰/۱۸۵	۲/۱۴۰	۰/۰۳۴
طلاق عاطفی	گرایش به روابط فرازنشویی	۰/۰۴۵	۰/۲۱۹	۰/۳۴۲	۰/۰۶۳
گرایش به روابط فرازنشویی	پریشانی روانشناختی	۰/۱۷۰	۰/۲۱۳	۲/۵۵۴	۰/۰۱۰
خشونت خانگی	پریشانی روانشناختی	۰/۲۹۴	۰/۲۲۱	۳/۵۱۰	۰/۰۰۱

جدول ۶. نقش میانجی پریشانی روانشناختی در تعیین تأثیر خشونت خانگی بر گرایش بر روابط فرازنشویی آزمون بارون و کنی

اثر	بوت استرپ	حد پایین	حد بالا
اثرات غیرمستقیم (پریشانی روانشناختی)	۰/۱۲	۰/۲۸۱۶	۰/۴۶۶۸

با توجه به جدول ۶ ملاحظه می‌شود که اثر غیرمستقیم هم که به منظور بررسی نقش میانجی پریشانی روانشناختی اندازه گرفته می‌شود، نشان داد که مقدار آن برابر با ۰/۱۲ است. با توجه به اینکه در فاصله اطمینان ۹۵ درصد حد پایین یا حد بالا مقادیر بیشتر از ۰/۱ را به خود اختصاص داده‌اند، بدین معناست که اثر غیرمستقیم معنادار گزارش شد. بر این اساس می‌توان برای پریشانی روانشناختی در تعیین تأثیر خشونت خانگی بر گرایش بر روابط فرازنشویی نقش میانجی قائل شد.

نتایج تعیین تأثیر طلاق عاطفی از طریق پریشانی روان‌شناختی بر گرایش به روابط فرازنشویی در جدول ارائه شده است

جدول ۷. نقش میانجی پریشانی روان‌شناختی در تعیین تأثیر طلاق عاطفی بر گرایش به روابط فرازنشویی آزمون بارون و کنی

فاصله اطمینان ۹۵ درصد				
اثر	بوت استرپ	حد پایین	حد بالا	
۰/۱۱	۰/۴۹	۰/۳۳۵۰	۰/۴۹۱۴	اثرات غیر مستقیم (پریشانی روان‌شناختی)

اثر غیر مستقیم هم که به منظور بررسی نقش میانجی پریشانی روان‌شناختی اندازه گرفته می‌شود، نشان داد که مقدار آن برابر با ۰/۱۱ است. با توجه به اینکه در فاصله اطمینان ۹۵ درصد حد پایین یا حد بالا مقادیر بیشتر از ۰/۱ را به خود اختصاص داده‌اند، بدین معناست که اثر غیرمستقیم معنادار گزارش شد. بر این اساس می‌توان برای پریشانی روان‌شناختی در تعیین تأثیر طلاق عاطفی بر گرایش به روابط فرازنشویی نقش میانجی قائل شد.

• بحث

یافته نشان داد که هرچه خشونت خانگی بیشتر باشد، احتمال برخورداری وی از پریشانی روان‌شناختی بیشتر می‌شود. بر همین اساس، این فرضیه فرعی پژوهش نیز درمورد رابطه خشونت خانگی با پریشانی روان‌شناختی تأیید می‌گردد. بنابراین می‌توان گفت، بین نمره کل خشونت خانگی با پریشانی روان‌شناختی رابطه مثبت معنادار وجود دارد. این یافته‌ها همسو با نتایج مطالعات گل محمد و همکاران (۱۴۰۰)، فردوسی و قنبری (۱۳۹۹) و نیسی و همکاران (۱۳۹۹) است. بر این اساس، در تبیین این یافته می‌توان گفت که بعضی از معضلات و مشکلات خانواده ریشه در رفتارهایی دارد که به دلایلی در فرهنگ ما زیاد به آن پرداخته نمی‌شود، ولی طی این تحقیق روشن شد که بسیاری از این مشکلات می‌تواند ریشه در واقعیت‌های پنهان خانواده داشته باشد. در رابطه با مسئله پریشانی روان‌شناختی، آموزش‌های پیش از ازدواج و هدایت افراد به سوی ازدواج موفق و بالنده و همچنین تداوم آموزش‌ها در طی زندگی مشترک و ترویج فرهنگ مشاوره برای چاره‌اندیشی زود هنگام در صورت بروز مشکل، نقش بسیار مؤثری در پیشگیری و پریشانی روان‌شناختی خواهد داشت.

یافته‌ها نشان داد که هرچه پریشانی روان‌شناختی بیشتر باشد، احتمال برخورداری وی از طلاق عاطفی بیشتر می‌شود. بر همین اساس، این فرضیه فرعی پژوهش نیز درمورد رابطه طلاق عاطفی با پریشانی روان‌شناختی تأیید می‌گردد. این یافته‌ها با نتایج مطالعات فردوسی و قنبری (۱۳۹۹)، نیسی و همکاران (۱۳۹۹)، لاشکی و همکاران (۱۳۹۹)، زانوسی (۲۰۲۰) و اسمیت و همکاران (۲۰۱۹)؛ همسویی دارد. این همسویی با پژوهش‌های دیگر کشورها می‌تواند به عناصری کلی و وابسته به فرهنگ در سنجش این دو مفهوم در این پژوهش و سایر پژوهش‌ها مرتبط باشد. همچنین می‌توان گفت که پس از طلاق، به دلایل مختلف ممکن است فرد دچار آسیب و پریشانی روانی شود. یکی از عوامل مهمی که می‌تواند در پیامدهای روان‌شناختی افراد مواجه شده با آسیب طلاق عاطفی نقش داشته باشد، پریشانی روان‌شناختی است. ریشه بسیاری از آسیب‌های اجتماعی از طلاق عاطفی ایجاد می‌شود. یافته‌ها نشان می‌دهد که با توجه به معناداری رابطه بین پریشانی روان‌شناختی با گرایش به روابط فرازنشویی، تا حدودی می‌توان گفت هرچه پریشانی روان‌شناختی فرد بیشتر باشد، احتمالاً گرایش به روابط فرازنشویی فرد افزایش می‌یابد. بنابراین، این فرضیه فرعی پژوهش درباره رابطه بین پریشانی روان‌شناختی با گرایش به روابط فرازنشویی تأیید می‌گردد. این یافته‌ها با نتایج مطالعات فردوسی و قنبری (۱۳۹۹)، خوش‌روش و دهقانی (۱۳۹۹)، اسمیت و همکاران (۲۰۱۹)؛ همگرایی دارد. همگرایی این دو متغیر با پژوهش‌های سراسر جهان، با مسئله‌ای فراتر از فرهنگ مرتبط است. همچنین می‌توان گفت پریشانی روان‌شناختی معمولاً به عنوان حالت درد و رنج عاطفی (هیجانی) که مشخصه آن علائم افسردگی (مانند ازدست دادن علاقه، غم، ناامیدی) و اضطراب (مثل بی‌قراری، احساس تنش) است؛ تعریف می‌شود (دراپو و همکاران، ۲۰۱۲؛ میروسکی و رز، ۲۰۱۳). ناپهنجاری‌های به وجود آمده در سیستم خانوادگی در بلندمدت زمینه را برای خیانت و روابط فرازنشویی فراهم می‌کند و این مشکلات به صورت دوسویه در همدیگر تأثیر بگذارند.

بنابراین، این فرضیه فرعی پژوهش درباره رابطه بین پریشانی روان‌شناختی با گرایش به روابط فرازنشویی تأیید می‌گردد. این یافته، با یافته‌های حاصل از مطالعات خوش‌روش و دهقانی (۱۳۹۹)، لاشکی و همکاران (۱۳۹۹) و لشگری (۱۳۹۷)؛ همخوانی دارد. یافته‌های

پژوهش گویای آن است که در دهه‌های اخیر، پیشگیری اولیه از بروز موارد خشونت خانگی علیه زنان و همچنین شناسایی زنان خشونت دیده و مدیریت این موارد در بسیاری از کشورها به عنوان یک اولویت برنامه‌های اجتماعی زنان مورد توجه قرار گرفته است و به لحاظ رویکرد کارکردگرایی نیز بیان شده است که در خانواده عقاید متفاوت و متضادی وجود دارد و گاهی رفع این تضادها از راه اعمال خشونت امکان‌پذیر می‌گردد و ابعاد مختلف خشونت با برهم‌زدن ساختار و تعادل خانواده و ایجاد فاصله بین زن و شوهر می‌توانند در شکل‌گیری گرایش به روابط فرازنشویی زوجین تأثیرگذار باشند.

یافته‌ها نشان می‌دهد که باتوجه به معناداری رابطه بین طلاق عاطفی با گرایش به روابط فرازنشویی، تا حدودی می‌توان گفت هرچه طلاق عاطفی بیشتر باشد، احتمالاً گرایش به روابط فرازنشویی فرد افزایش می‌یابد. بنابراین، این فرضیه فرعی پژوهش درباره رابطه بین طلاق عاطفی با گرایش به روابط فرازنشویی تأیید می‌گردد. این یافته‌ها با نتایج مطالعات فردوسی و قنبری (۱۳۹۹)، خوش‌روش و دهقانی (۱۳۹۹)، نیسی و همکاران (۱۳۹۹) و زانوسی (۲۰۲۰) هم‌خوانی وجود دارد.

در تبیین این فرضیه می‌توان گفت؛ پیامدهای طلاق عاطفی یعنی ازدست دادن عشق و احترام همسر و شکستن رابطه موجب ضربه شدید احساسی به طرفین خواهد شد. در طلاق عاطفی مرد یا همسر زمانی که کلمات محبت‌آمیز می‌شنود، خواسته یا ناخواسته ذهنش را درگیر می‌کند و حتی مرد هم برای تأمین نیازهای حسی؛ احساس نیاز به آغوش زن دیگر به غیر از زن قانونی خود می‌کند که در این شرایط پای هر دو در این زمینه می‌لغزد؛ چرا که تعهدی که برای زندگی مشترک خود دارند به فراموشی سپرده می‌شود و درگیر روابط فرازنشویی می‌گردد.

• نتیجه‌گیری

یافته‌های به‌دست آمده از مدل‌یابی معادلات ساختاری نشان داد که شاخص‌های برازش، مدل مفهومی اولیه پژوهش را تأیید؛ بدین ترتیب که براساس داده‌های به‌دست آمده و همچنین شاخص‌های اصلاح، با حذف مسیر طلاق عاطفی و خشونت خانگی بر گرایش به روابط فرازنشویی با نقش میانجی پریشانی روان‌شناختی مدل اصلاحی تدوین و برای آزمایش ارائه شد که نتایج حاصل از شاخص‌های برازش را نشان می‌دهد. در مجموع این شاخص‌ها نشان می‌دهند که مدل ارائه شده مدل مطلوبی است و به‌خوبی با داده‌ها مطابقت دارد. یافته نشان داد که هرچه خشونت خانگی بیشتر باشد، احتمال برخورداری فرد از پریشانی روان‌شناختی بیشتر می‌شود. بر همین اساس، این فرضیه فرعی پژوهش نیز درمورد رابطه خشونت خانگی با پریشانی روان‌شناختی تأیید می‌گردد. بنابراین می‌توان گفت، بین نمره کل خشونت خانگی با پریشانی روان‌شناختی رابطه مثبت معنادار وجود دارد. یافته‌ها نشان داد که هرچه پریشانی روان‌شناختی بیشتر باشد، احتمال برخورداری از طلاق عاطفی بیشتر می‌شود. یافته‌ها نشان داد که باتوجه به معناداری رابطه بین خشونت خانگی با گرایش به روابط فرازنشویی، تا حدودی می‌توان گفت هرچه خشونت خانگی بیشتر باشد، احتمالاً گرایش به روابط فرازنشویی فرد افزایش می‌یابد.

یافته‌ها نشان می‌دهد که باتوجه به معناداری رابطه بین طلاق عاطفی با گرایش به روابط فرازنشویی، تا حدودی می‌توان گفت هرچه طلاق عاطفی بیشتر باشد، احتمالاً گرایش به روابط فرازنشویی فرد افزایش می‌یابد. فرضیه مبتنی بر مدل پیشنهادی، چنین مطرح نمود که طلاق عاطفی و خشونت خانگی برگرایش به روابط فرازنشویی با نقش میانجی پریشانی روان‌شناختی، نسبت به رابطه مستقیم، تبیین مناسب‌تری به‌دست می‌دهد.

به‌طور خلاصه می‌توان گفت که در مدل پیشنهادی نهایی، زمانی که متغیرها به‌صورت هم‌زمان حضور دارند، در تأثیر طلاق عاطفی و خشونت خانگی برگرایش به روابط فرازنشویی نقش به‌منظور هر متغیر واسطه‌ای، پریشانی روان‌شناختی، تأیید می‌گردد. به بیانی دیگر، زمانی که روابط افراد متأهل درگیر درجاتی از طلاق عاطفی و خشونت خانگی باشد، در هر حال، دستیابی به نتایج دقیق‌تر، محتاج پژوهش‌های گسترده‌تری است که شکل خواهند گرفت. مهمترین محدودیت‌های پژوهش حاضر هم‌زمانی اجرای چندین ابزار اندازه‌گیری در پژوهش حاضر و وجود ماده‌های متعدد ممکن است موجب پایین آمدن و کاهش دقت پاسخ‌دهی شرکت‌کننده‌ها شود. پیشنهاد می‌شود با توجه به نقش میانجی پریشانی روان‌شناختی، همه دست‌اندرکاران، به‌ویژه مشاوران و روان‌شناسان، به‌منظور کاهش گرایش به روابط فرازنشویی، به نقش پریشانی روان‌شناختی توجه کافی مبذول دارند.

• تضاد منافع

نویسندگان اظهار کردند در این پژوهش هیچ گونه تعارض منافی بین نویسندگان وجود ندارد.

• تقدیر و تشکر

نویسندگان از تمامی زنان متأهل شهر تهران که در پژوهش حاضر ما را یاری رساندند، تشکر می نمایند.

• منابع

- اربابی، فائزه؛ سراوانی، شهرزاد؛ زینلی پور، مژگان و هاشمی سنجابی، امیر. (۱۴۰۱). اثربخشی ذهن آگاهی مبتنی بر شناخت درمانی بر بهزیستی روان شناختی، کیفیت زندگی و تاب آوری در زوجین با تعارضات زناشویی. *مجله روان شناسی*، ۲۶(۲)، ۱۴۹-۱۴۰.
- ارجمند سیاهپوش، اسحق و عجم دشتی، فریال. (۱۳۹۰). بررسی عوامل اجتماعی - اقتصادی مؤثر بر خشونت علیه زنان در شهر اهواز، *مجله تخصصی جامعه شناسی*، ۱(۳)، ۹۱-۱۱۸.
- اسمیت، ادوارد ای؛ ج بم، داریل؛ اتکینسون، ریتا ال؛ اتکینسون، ریچارد سی و نولن هوکسما، سوزان. (۲۰۰۴). *زمینه روان شناسی هیلگارد*. ترجمه: براهنی، محمدنقی و همکاران. تهران: رشد.
- طیفیان، مریم؛ عرشی، ملیحه؛ علی پور، فردین؛ قائد، امینی و هارونی، غلامرضا. (۱۳۹۵) بررسی رابطه خشونت خانگی و طلاق عاطفی در میان زنان متأهل شهر تهران در سال ۱۳۹۵. *فصلنامه مددکاری اجتماعی*، ۵(۲): ۵-۱۲.
- کاوه فارسانی، ذبیح الله، نظری فر، محسن، محمودی نجف آبادی، فاطمه. (۱۴۰۲). ارزیابی الگوی رابطه بین ذهن آگاهی و کیفیت رابطه زناشویی با میانجی گری باورهای لذت بری و قدردانی. *مجله روان شناسی*، ۱(۲۷)، ۹-۱.
- کیایی راد، حسین؛ پاشا، رضا؛ عسگری، پرویز و مکوندی، بهنام. (۱۴۰۱). اثربخشی طرحواره درمانی بر روابط فرازناشویی و خشونت خانگی در زنان درگیر در طلاق عاطفی. *دانش و پژوهش در روان شناسی کاربردی*، ۲۳(۳)، ۱۸۸-۲۰۴.
- لشگری، مهدی. (۱۳۹۷). بررسی مروری عوامل مؤثر در بروز روابط فرازناشویی در افراد متأهل. سومین کنفرانس توانمندسازی جامعه در حوزه علوم انسانی و مطالعات روان شناسی، تهران، ۱۴۵-۱۵۳.
- نصیری جونقانی، مهناز؛ اصغری، فرهاد و علی پور، صفر. (۱۳۹۹). بررسی رابطه ساختاری طرحواره های ناسازگار اولیه، تمایز یافتگی خود و عملکرد جنسی با تمایل به روابط فرازناشویی. *مجله روان شناسی*، ۳(۲۵)، ۳۲۹-۳۴۹.
- یزدخواستی، بهجت و شیر، حامد. (۱۳۸۷). ارزش های پدرسالاری و خشونت علیه زنان، *فصلنامه مطالعات زنان*، ۶(۵)، ۷۰-۸۳.
- یکه کار، شیرین و حسینی حاجی بکنده، سید احمد. (۱۳۹۷). ویژگی های خشونت خانگی علیه زنان و زمینه های فرهنگی مرتبط با آن. *پژوهشنامه مددکاری اجتماعی*، ۵(۱۶)، ۲۳۱-۲۱۷.
- Barzoki, M. H., Tavakoli, M., & Burrage, H. (2015). Rational-emotional 'divorce in Iran. *Applied Research in Quality of Life*, 10(1), 107-122.
- Baugh, L. M., Cox, D. W., Young, R. A., & Kealy, D. (2019). Partner trust and childhood emotional maltreatment: The mediating and moderating roles of maladaptive schemas and psychological flexibility. *Journal of Contextual Behavioral Science*, 12, 66-73.
- Bhandari, S. (2018). South Asian women's coping strategies in the face of domestic violence in the United States. *Health Care for Women International*, 39(2), 220-242.
- Diop-sidibe N, Campbell J, Becker S. (2016). Domestic violence against women in Egypt. *Soc Sci Med*. 62(5):1260-77.
- Doherty, W. J., Kalantar, S. M., & Tarsafi, M. (2020). Divorce ambivalence and reasons for divorce in Iran. *Family Process*. 1, 1-10.
- Evans, P., McPherson, G. E., & Davidson, J. W. (2013). The role of psychological needs in ceasing music and music learning activities. *Psychology of Music*, 41(5), 600-619.
- Fadaiea tehrani, M., Khademi, B. (2015). Evaluation of the tendency to psychotropic drugs among the high school students of the city of Bandar Abbas and the influencing factors on them. *Journal of renewable natural resources Bhutan*, 3(7), 23-34.
- Fayazi, S., Rokhafroz, D., Gheibizadeh, M., Hakim, A., & Sayadi, N. (2015). Personal, Familial, and Social Factors Contributing to Addiction Relapse, Ahvaz, Iran. *Jentashapir Journal of Health Research*, 6(3). 11-15.